

## نقش افکار عمومی در پیشبرد اهداف کانون (قسمت اول)

رضا مقصودی - وکیل دادگستری

یکی از آفات و چالش‌های طبقات ممتاز اجتماع و از جمله جامعه وکالت، تقیصه تعامل مؤثر و خلأ پیوند با طبقات عام بخصوص اقشار متوسط و رو به پائین جامعه است. آسیب‌شناسی این امر مجال دیگری می‌طلبد. اما در دو مینا تردیدی نداریم: اول آنکه یکی از عواملی که موجب شده تلاش دلسوزان و مصلحان نهاد وکالت و فداکاری و رنج بسیاری از بزرگان حقوق در پیشبرد اهداف کانون و حفظ و دفاع از حریم وکالت ناکام، مهجور و یا کم‌فروغ و کم‌اثر جلوه کند، فقدان پشتوانه‌ای به نام «افکار عمومی» یا «جامعه‌مادر» است. هرگاه اجتماع به سطحی از آگاهی و روشن بینی رسید که در برابر تعرض به نهادهای مستقل مدنی و اکثراً نشان داده و در نظر و عمل حامی حقوق و آزادی‌های خویش و مدافعین از حق شوند، تلاش و مجاهدت مصلحان و سازمان‌های مدنی نیز اثر و عمق و غنای بیشتری خواهد یافت.

فرض دوم آنکه طبقات جامعه در وجه غالب از نقش و تأثیر سازنده وکالت با همه خصائل و صفات ذاتی اش جاهل یا غافلند. قسمی نیز از جمله عده‌ای از خود وکلا با آگاهی از این مهم، نسبت به سرنوشت وکالت بی‌تفاوتند. بی‌تعارف و بی‌پرده باید پذیرفت اجتماع ما از وکالت تصویر مثبت، روشن و خوشایندی در ذهن ندارد. وکلا غالباً طبقه‌ای ممتاز و تافتگان جدابافته و دور از دسترس دیده می‌شوند که بیشتر به منافع شخصی و حرفه‌ای خویش می‌اندیشند. طبقه‌ای که در دردها، حساسیت‌ها، احساسات، غم‌ها و شادی‌ها و مشکلات و دغدغه‌های زندگی شریک جامعه نیستند. چه می‌گوییم؟! در اثر سوء اغراض و کژاندیشی دشمنان دانا و غفلت، منفعت‌طلبی و سوء عمل عده‌ای از دوستان نادان، باید پذیرفت در ذهن و روح شاکله و هیئت کلی اجتماع، تصویری مخدوش و تیره از وکیل نقش بسته است. حتی در لایه‌هایی از اجتماع، وکیل، بعنوان کسی که با کلمات برای رسیدن به منافع و مطامع شخصی بازی کرده و شب را روز و روز را شب جلوه داده، برای تأمین اعاشه، تدلیس ماشطه می‌کند، شناخته شده است. طرف متخاصم نیز با دامن زدن به این سوء تلقی، مع‌الأسف حتی دفاع وکلا از خصائل ارزنده و میراث ماندگار اسلاف خود همچون استقلال را در نظر جامعه چنین تعلیل و تعبیر می‌کنند که اینان نظارت یا کنترل نهاد دیگر را منافی با منافع شخصی و گروهی خود و در تضاد با تکثر و تزیاید ثروت می‌دانند. این گونه در تفسیر خصمانه خود، عنصر ارزنده «استقلال» و نقش ضروری آن را در دفاع از حقوق جامعه به ابتدال می‌کشانند!

حال در برخورد با این پدیده دردناک راه حل چیست و نسخه درمان کدام است؟ چگونه می‌توان و باید نظر و تلقی اجتماع و بالتبع حمایت افکار عمومی را به سمت و سوی وکالت جلب کرد تا در گردنه‌ها و عقبات خطرناک و طوفان‌های سهمناک و ویرانگر از نیرو و پشتوانه آن مدد جست؟

در این مقاله سعی بر آنست که وسائل و طرقی که جامعه وکالت می‌تواند برای رسیدن به این هدف به کار ببرد، احصاء و بررسی گردد.

### بخش اول: نقش نهاد معاضدت

برای آنکه به ارزش و اهمیت این جوهر گرانقدر و نقش آن در پیوند وکالت با بدنه اجتماع روشن شود، باید بوسیله بازتعریف معاضدت، به این تأسیس بی‌بدیل و ارزنده نگاهی عمیق و تازه بیافکنیم. در این رهگذر همچنین درخواهیم یافت که معاضدت قضائی و کمک و دستگیری از بی‌بضاعتان و ناتوانان و بی‌پناهان با ذات وکالت عجین و قرین بوده و نیز در عمق فطرت و جان‌واضعین وکالت نهفته بوده است. به قسمی که این ابداع ارزشمند چون گوهری تابناک مسبوق بر همه ارکان دیگر، بعنوان یک رسالت و تکلیف انسانی سالهاست بر تارک کانون وکلا می‌درخشد.

هر چه مسئولین و متولیان امور کانون به نهادهایی چون معاضدت پرداخته و در پرورش و بالندگی و پویایی آن در ایفای نقش بی‌بدیش کوشیده و دلیری نمایند، کیان وکالت را در برخورد با آسیب‌ها و خطرات و موانع، آبدیده‌تر و استوارتر ساخته‌اند.

اما مع الأسف سال هاست که این نهاد پربها از حرکت سازنده و حیات و تپش و زایش بازمانده، کارکرد واقعی و تأثیرگذارش کم فروغ و اثر می نماید، از فلسفه وضع خود فاصله گرفته، بعنوان شعبه ای در کنار سایر ارکان کانون (که بسیاری از آنها نتیجه تأسیس و وضع قانونی نبوده بلکه بر حسب اقتضائات زمان و مکان توسط مصوبات هیئت مدیره تشکیل شده اند)، نگرسته شده و غالباً با آن در حد انجام یک الزام قانونی بسیار مضیق و محدود برخورد می شود. امری بسیار غریب و تأسف بار!!

پویائی، بالندگی و اثربخشی که در ماهیت و ذات معاضدت نهفته است و قابلیت انعطاف پذیری اش در بسط و توسعه خدمات وکالتی و بهبود عدالت قضائی به همه طبقات اجتماع خاصه افشار محروم و معسر از یک سو و سرگردانی و حیرانی روزافزون خلق الله در پیچ و خم راهروهای دادگستری و کثرت دعاوی و فقد سیستم جامع و هدایتگر برای ارشاد و معاضدت قضائی و بالطبع اشتباهات بسیار در شناخت مبنا و سبب دعاوی و طرح و تنظیم ناصواب یا نامطلوب دادخواست ها و بالمآل از این رهگذر تضییع حقوق و آسیب های جدی به عدالت قضائی در سطحی چشمگیر همه و همه از سوی دیگر، فرصتی تاریخی و استثنائی پیش روی متولیان اداره امور کانونها قرار داده تا با درک صحیح و عمیق این موقعیت و بهره گیری از خمیرمایه های انسانی و الهی معاضدت در رسیدن به اهداف وکالت بکوشند.

برای اینکه معنای بازتعریفی که اشاره رفت معلوم گردد، خلاصه ای از ماهیت و کارکرد این جوهر گرانبها را بازخوانی می کنیم:

معاضدت، تأسیسی عینی و ملموس در اثبات این شعار است که برای تحقق و حفظ دموکراسی، عدالت نباید جیره بندی شود.

- معاضدت نقطه پیوند و اتصال وکیل با طبقات متوسط و رو به پائین جامعه است برای کسب تجربه ای نایاب در فهم و درک فرهنگ و منش قضائی آنان و شناخت رازها، نیازها و دردهای پنهان در لایه های زیرین اجتماع. امری که عادتاً در وکالت تعیینی نصیب نمیشود. نیز فرصتی منحصر بفرید است برای تجربه وکالت در موضوعاتی که وکیل در انتخاب آزادانه خود از آنها احتراز کرده و قبول وکالت نمی کند. معاضدت از این منظر کسب تجارب مفید در خواسته های متفاوت و متنوع است.

- معاضدت، اثبات عملی حسن نیت و وسیله ابراز قصد و اراده جدی نهاد وکالت در همکاری و تعامل مثبت و سازنده با نهاد قضاوت در اجرا و تحقق بهتر عدالت قضایی است.

- معاضدت باطل السحر همه ادعاهائی است که فعالیت و دغدغه های وکیل را یکسره منفعت طلبانه و سودجویانه می دانند.

- معاضدت نوعی کارگاه آموزشی و کلاس عملی برای فراگیری فن وکالت و ارتقاء اخلاق عملی وکیل در برخورد با آنان که ناتوان از حل مسائل قضائی و حتی عاجز از امور روزمره خویشند.

- معاضدت می تواند با تشخیص عمیق و درست مبنا و سبب دعاوی و تسلط بر عرف قضائی و موازین قانونی، رویه های تازه در استنباط احکام و صدور آراء ایجاد کند. این ابداع عالمانه که یکی از وظائف وکیل است سالهاست در تقلید و تکرار ملال آور دعاوی، کم فروغ شده و دلائل و مبانی و آراء صادره در چرخه ای یکنواخت، از پویائی و اجتهاد و نوآوری بازمانده است.

- معاضدت، توشه راه، ذخیره آخرت و زکات علمی وکیلی است که خداوند این موهبت را به وی ارزانی داشته و معتقد است نظام آفرینش بر عدل و داد و راستی و درستی و بده بستان وضع شده است.

این جهان کوه است، فعل ما ندا بازگردد این نداها را صدا

برگرفته از وبلاگ وکلای ملت

